

200018

DIA

**UBEYD-i ZÂKÂNÎ**

Haidari, A. A.

A medieval Persian satirist .-- 1986 ISSN: 0041-977x : Bulletin of the School of Oriental and African Studies, vol. 49 pp. 117-127, (1986)

; 'Ubayd-i Zākānī, Nizām al-Dīn

18 Subat 2017

11015 BROOKSHAW, Dominic Parviz. Mytho-political remakings of Ferdowsi's Jamshid in the lyric poetry of Injuid and Mozaffarid Shiraz. *Iranian Studies*, 48 iii (2015) pp. 463-487. Examines the Jamshid of Shahnameh and its Islamic refashioning in fourteenth-century Shiraz, as evidenced in the ghazals of Hāfez, and the lyric poetry of Khvāju-ye Kermānī, and 'Obeyd-e Zakānī (d. 1371).

Ferdowsi  
060414  
Hafiz-i Shirazi  
080132  
Hafiz-i Shirazi  
080106  
Obeyd-i Zakani  
200018

MADDE YAYIMLANDIKTAN  
SONRA CELEN DOKÜMAN

به هم نام برد. هرچند در اغلب این آثار، گفته‌های پندآموز در کنار حکایتها و امثال و اشعار، ضمن طرح مباحث و در جهت تأیید اندیشه‌هایی آمده است که نویسنده آنها را عرضه می‌کند، اما در گروه دیگری از این کتابها نیز عبارتها و اقوال کوتاه پندآموز فهرست‌وار در قالب کلمات قصار عرضه شده است. در نوشته‌های گروه دوم معمولاً تعداد معینی از موضوعات یا اقوال مورد نظر نویسنده یا گردآورنده بوده که با اعدادی نظیر چهل، هشتاد، صد و غیره مشخص شده است (فوشه کور، ص ۱۶۳). صد پند لقمان، رساله‌های صد کلمه رشیدالدین وطواط و خردنامه جان‌افروز گروهی از صدپندها یا مجموعه‌های صدگانه مشهورند.

عبید زاکانی در آغاز رساله «صد پند» نوشته است که با مطالعه وصایای افلاطون به ارسطو، که خواجه نصیرالدین طوسی از یونانی به فارسی برگردانده، و نیز با مطالعه چند نامه، به خصوص پندنامه انوشیروان، بر آن شده است که اثری در این حوزه بنویسد. خواجه نصیرالدین طوسی تعدادی از وصایای افلاطون به ارسطو را در کتاب اخلاق ناصری آورده است، اما روشن نیست که مقصود عبید از «پندنامه انوشیروان» کتاب خاصی است یا این عنوان، یا اینکه مقصود پندهای انوشیروان است که در کتابهایی نظیر خردنامه در قرن ششم ضبط شده است (عبید زاکانی، ص ۷۳-۷۷).

این‌که عبید تأکید کرده است که پندنامه‌اش «از شائبه ریا خالی و از تکلفات عاری است» نشان می‌دهد که از نظر او پندنامه‌نویسی، حداقل در روزگار عبید یا روزگاری نزدیک به حیات او، با ریا و تکلف درآمیخته بوده است. این گفته عبید حکایت از این دارد که او دو انگیزه مهم را در نوشتن این رساله دنبال می‌کرده است: نخست اینکه بدون تکلف و ریا حقایق را در باب موضوع هر یک از پندها بیان کند، دوم اینکه رساله‌اش تعریض و کنایه‌ای باشد به مقوله پندنامه‌نویسی در ادب فارسی که از نظر عبید هم با ریاکاری نویسنده‌گان درآمیخته و هم به بیماری تکلف و تصنع مبتلا شده است و در نتیجه سستی و ابتدال به آنها راه یافته است. با اینکه عبید نامی از وصایای افلاطون به ارسطو و نیز پندنامه انوشیروان به میان آورده، اما به نظر نمی‌رسد که کار او نقیضه‌ای باشد بر پندنامه‌ای واحد یا رساله‌ای مشخص، بلکه می‌توان گفت که او به طور کلی به این طیف از آثار اخلاقی فارسی توجه دارد و اثر خود را به قصد طعنه و تعریض به این‌گونه مجموعه‌ها و نیز با هدف بیان برخی

ج ۲/۹، ص ۵۹۶؛ علی حسن‌خان، همان‌جا).

منابع: آذر بیگدلی، لطفعلی بیگ، آتشکده آذر، به کوشش میرهاشم محدث، تهران، ۱۳۷۸ش؛ آرزو، سراج‌الدین علی‌خان، تذکره مجمع‌التفایس، به کوشش محمد سرفراز ظفر، با همکاری زین‌التساء علیخان، پاکستان، ۱۴۲۷ق؛ آقابزرگ تهرانی، محمدمحسن، الذریعة، بیروت، ۱۴۰۳ق / ۱۹۸۲م؛ بدائونی، عبدالقادر، منتخب‌التواریخ، به کوشش مولوی احمدعلی صاحب، تهران، ۱۳۸۰ش؛ خوشگو، بندرابین داس، سفینه خوشگو، پسته (بهار)، ۱۹۵۹م؛ سامی، شمس‌الدین، قاموس‌الاعلام، استانبول، ۱۳۱۶ق؛ شفیق اورنگ‌آبادی، لجهمی نرائن، شام غربیان (تذکره شعرای فارسی که از ایران به هند آمده بودند)، کراچی، ۱۹۷۷م؛ عظیم‌آبادی، حسینقلی‌خان، نشتر عشق، به کوشش اصغر جانفدا، دوشنبه، ۱۹۸۸م؛ علی حسن‌خان، تذکره صبح گلشن، به کوشش مجتبی برزآبادی فراهانی، تهران، ۱۳۹۰ش؛ مدرّس تبریزی، محمدعلی، ریحانة‌الادب، تبریز، ۱۳۴۶ش؛ نفیسی، سعید، تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی، تهران، ۱۳۶۳ش؛ واله داغستانی، علیقلی، تذکره ریاض‌الشعراء، به کوشش محسن ناجی نصرآبادی، تهران، ۱۳۸۴ش؛ هاشمی سندیلوی، احمدعلی‌خان، تذکره مخزن‌الغرائب، به کوشش محمد باقر، لاهور، ۱۳۷۲ش؛ هدایت، محمود، گلزار جاویدان، تهران، ۱۳۵۲ش.

زهر اکبرپور بقایی

### صد پند. رساله کوتاه متنور و طنزآمیزی از عبید زاکانی \*

نویسنده و شاعر بذله‌گوی قرن هشتم ق. عنوان دیگر آن «درویش‌نامه» است (عبید زاکانی، ص ۲۰۴). عنوان اصلی رساله از دو واژه «صد» و «پند» تشکیل شده است که یادآور گروهی از نوشته‌های تعلیمی و حکمی فارسی است که حاوی پندها و دستورهای اخلاقی و مذهبی بوده‌اند و عبید رساله خود را در ۷۵۰ق (همان‌جا) در فن «نقیضه» \* و به تقلید از این آثار نوشته است. صورت اولیه این آثار پیش از اسلام به «اندرزنامه» شهرت داشت و در ادبیات دوره اسلامی به سبب گسترش و تعدد فراوان، نامهای گوناگون به خود گرفت و آثاری خلق شد که در عنوان آنها واژه‌هایی نظیر «پندنامه»، «آداب»، «اخلاق»، «تحفه»، «خزده»، «دستور»، «نصیحت»، «وصیت» و از این قبیل ترکیب شده بود. این نمونه‌ها در ادبیات دوره اسلامی فراوان‌اند و می‌توان از پندنامه انوشیروان \*، پندنامه بزرگمهر، سیاست‌نامه \*، قابوس‌نامه \*، آداب‌الملوک، اخلاق محسنی \*، اخلاق ناصری \*، تحفه‌الملوک \*، تحفه‌الوزرا، خردنامه جان‌افروز، دستورالملوک \*، نصیحة‌الملوک \*، وصایای علی (ع)، و وصایای خواجه نظام‌الملک و کتب بسیار دیگر با ساختار و محتوای نزدیک

حمدالله مستوفی عبید را چنین معرفی می‌کند: «صاحب معظم نظام‌الدین عبید زاکانی که اشعار خوب دارد و رسائل بی‌نظیر». از سخن او چنین برمی‌آید که عبید، در زندگی خود، شاعر و نویسنده سرشناسی بوده است (صفا، همان‌جا).

از سخنان و نوشته‌هایش، میزان اطلاعش از علوم زمان و زبان و ادب عرب آشکار می‌شود و از نسخه‌ای از کتاب الاشجار و الاثمار در احکام نجوم، نوشته‌ی علاء منجم بخاری، که به خط عبید در دست است، چنین برمی‌آید که بر علم نجوم و قوف داشته است (صفا، همان، ص ۹۶۵).

وفات عبید زاکانی را تقی‌الدین کاشی، در تذکره خود، سال ۷۷۲ ق دانسته و صادق اصفهانی، در کتاب شاهد صادق، آن را ذیل وقایع سال ۷۷۱ ق آورده است و بنابر شواهد تاریخی و قراین متعدد می‌توان این دو تاریخ را صحیح دانست. به عبارتی، تاریخ وفات او بین ۷۶۹ تا ۷۷۲ ق بوده است.

عبید زاکانی، در اشعار و مقدمه‌ی رسائل خود، از چند پادشاه و وزیر هم‌عصرش نام برده و آنها را مدح گفته است که از آنها می‌توان به گوشه‌هایی از زندگی عبید دست یافت. این شخصیت‌ها عبارت‌اند از:

۱. خواجه علاء‌الدین محمد، عبید رساله نوادرا الامثال خود را، که کتابی جدی و به عربی است و شامل اقوال انبیا و حکما و اشعار و امثال، به وی تقدیم کرده است. ظاهراً، خواجه علاء‌الدین محمد از مستوفیان زیردست خواجه رشیدالدین فضل‌الله وزیر بوده که بعدها به وزارت خراسان رسیده است. هیچ معلوم نیست که عبید چه وقت و کجا به خدمت خواجه علاء‌الدین محمد رسیده و کتاب خود را به او تقدیم کرده است. شاید تاریخ این آشنایی در سال ۷۲۷ ق بوده باشد (لغت‌نامه، ذیل «زاکانی»).

۲. شاه شیخ جمال‌الدین ابواسحاق اینجو، وی

خواجه نظام‌الدین یا مجدالدین یا نجم‌الدین عبید زاکانی قزوینی، متخلص به «عبید»، شاعر و نویسنده مشهور ایرانی در قرن هشتم هجری قمری است.

تاریخ دقیق تولد او را نمی‌دانیم. احتمالاً، در اواخر سده هفتم یا آغاز سده هشتم هجری به دنیا آمده است. علت شهرت او به زاکانی انتساب او به خاندان زاکانیان، شاخه‌ای از عرب بنی خفاجه، است که بعد از مهاجرت به ایران در قزوین ساکن شدند. از شرح حال و وقایع زندگانی عبید زاکانی اطلاعات مفصل و دقیقی در دست نیست. اطلاعات ما در این زمینه تقریباً منحصر به معلوماتی است که حمدالله مستوفی، مؤلف تاریخ گزیده (تألیف ۷۳۰ ق)، همشهری و معاصر عبید، در یکی دو سطر راجع به او نوشته و پس از او دولت‌شاه سمرقندی در تذکره خود (تألیف ۸۹۲ ق)، شرحی آمیخته به افسانه درباره او به دست داده است. سایر مؤلفان هرچه درباره عبید نوشته‌اند به نقل از همین منابع بوده است. اطلاعاتی که از حوادث زندگانی عبید و کیفیت ارتباط او با معاصرانش در تذکره‌ها و کتب نقل شده غالباً فاقد ارزش تاریخی و متأثر از دیدگاه متأخرین اوست. منبع دیگری که ما را با زندگی عبید آشنا می‌سازد اشعار و نوشته‌های خود اوست که در مدح معاصران و ممدوحان خود نگاشته و به کمک آنها می‌توان اخباری از زندگی او به دست آورد (صفا، ج ۳، بخش ۲، ص ۹۶۴؛ اثر آفرینان، ذیل مدخل؛ دایرةالمعارف فارسی، ذیل مدخل؛ دولت‌شاه سمرقندی، ص ۲۸۸-۲۹۴).

از آغاز زندگی او نیز چیزی نمی‌دانیم، اما از خاندان و نسب او چنین برمی‌آید که در کودکی آداب و فنون دبیری و ادبیات و علوم زمان خود را دریافته است. او خود می‌گوید که از جوانی به مطالعه کتب و سخنان علما و حکما اهتمام داشته است و پس از آن نیز، از مطالعه آثار حکمای قدیم و متأخرین باز نمی‌ایستاده است.

حمد رضا شمس اردکانی ve dğr.; تقویم تاریخ فرهنگ و تمدن اسلام و

ایران، (جلد دوم) تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۹۱ ISAM DN. 260936

06 HAZ 2010

336. 'OBEYD ZÂKÂNI. *Dissertazione letifica. Racconti e satire dalla Shiraz del Trecento*. A cura di Giovanni M. D'Erme, Roma, Carocci, 2005, 220 p.

*Ubeyd-i Zahani*

Traduction en italien de la plupart des œuvres de ce poète satirique de Šīrāz, au langage salace.

L'introduction met l'accent sur les différences de registre et de contenu, et les disparités de style des différents ouvrages de cet auteur du XIV<sup>e</sup> siècle.

L'« Ethique des nobles » (*Ahlāq al-Ašrāf*) attaque les mœurs des grands de ce monde en opposant leurs vices aux vertus supposées des anciens. Le « Livre de la Barbe » (*Riṣ-nāme*) tourne en dérision le goût pour les éphèbes imberbes, dans un style pseudo-scientifique qui jure avec la futilité du propos. La « Ballade de la Masturbation » se moque des topoï érotico-mystiques de la poésie persane. Le « Traité de la Réjouissance » (*Resāle-ye Delgošā*), recueil d'anecdotes salées en arabe et en persan, ouvre une fenêtre sur la vie quotidienne et les caractéristiques des différentes couches de la société ou des ethnies de l'époque. « La Souris et le Chat » (*Mūs o gorbe*) est une *qaṣīde* héroïco-comique mettant en scène la tyrannie d'un chat cruel et hypocrite de Kermān dans lequel on a cru reconnaître Mobārez al-dīn Moẓaffarī, le dévot censeur également fustigé par Ḥāfez. Les « Cent conseils » (*Resāle-ye ṣad pand*), le « Traité des définitions » (*Resāle-ye ta'rifāt*) et les « Définitions de Molla Dopiyāze » renferment de courtes sentences ou mots d'esprit.

E.P.

27 Nisan 2014

- 3219 KURZ, Suzanne. Witze sind auch ein ernstes Geschäft. *XXX. Deutscher Orientalistentag. Orientalistik im 21. Jahrhundert: Freiburg im Breisgau, 24.-28. Sept. 2007.* Freiburg im Breisgau: Deutscher Morgenländische Gesellschaft, 2009 [On the satirical Persian works *Risālah-yi dīlgushā* by 'Ubayd-i Zākānī (14th century) & *Laṭā'if al-tavā'if* by Fakhr al-Dīn 'Alī Ṣafī (16th century). 12- page article; online publication without page-numbering.]

Ubayd-i Zākānī  
200018  
Ṣafī: Fahreddīn  
180163

MADDE YAYIMLANDIKTAN  
SONRA GELEN DOKÜMAN

MADDE YAYIMLANDIKTAN  
SONRA GELEN DOKÜMAN

27 Nisan 2014

- 3191 'UBAYD-I ZĀKĀNĪ, Nizām al-Dīn. *Dissertazione letifica: racconti e satire dalla Shirāz del Trecento / Nezāmo'd-Din 'Obeydo'llāh Zākānī detto 'Obeyd; a cura di Giovanni M. D'Erme.* Rome: Carocci, 2005 (Biblioteca Medievale, 98). 220pp. [Translated from Persian.]

Ubayd-i Zākānī  
200018

MADDE YAYIMLANDIKTAN  
SONRA GELEN DOKÜMAN

21 Eylül 2014

BOOKS

- 15599 'UBAYD-I ZĀKĀNĪ, Nizām al-Dīn. *Dissertazione letifica: racconti e satire dalla Shirāz del Trecento / Nezāmo'd-Din 'Obeydo'llāh Zākāni detto 'Obeyd; a cura di Giovanni M. D'Erme. Rome: Carocci, 2005 (Biblioteca Medievale, 98). 220pp. [Translated from Persian.]*

Ubeydi Zakanī  
200018

MADDE YAYIMLANDIKTAN  
SONRA GELEN DOKÜMAN

21 Eylül 2014

- 15011 KURZ, Suzanne. Witze sind auch ein ernstes Geschäft. *XXX. Deutscher Orientalistentag. Orientalistik im 21. Jahrhundert: Freiburg im Breisgau, 24.-28. Sept. 2007. Freiburg im Breisgau: Deutscher Morgenländische Gesellschaft, 2009 [On the satirical Persian works Risālah-yi dilgushā by 'Ubayd-i Zākānī (14th century) & Laṭā'if al-tavā'if by Fakhr al-Dīn 'Alī Ṣafī (16th century). 12- page article; online publication without page- numbering.]*

Ubeydi Zakanī  
200018

4750 RÖDAKI, [Abū 'Abd Allāh], SANĀ'Ī, [Hakīm],  
 MUJĪR [AL-DĪN BAYLAQĀNĪ], JAMĀL al-  
 DĪN IŞFĀHĀNĪ, KHĀQĀNĪ, [Afḡal al-Dīn] &  
 'UBAYD-i ZĀKĀNĪ, [Nizām al-Dīn].  
 Quatrains from the Persian. Tr. Lewis, B. *Yād-  
 nāma in memoria di Alessandro Bausani*. Volume  
 II, a cura di B. Scarcia Amoretti e L. Rostagno.  
 Rome: Bardi, 1991 (Università di Roma "La  
 Sapienza": Studi Orientali, X) pp.411-413

01 ARALIK 1993

1681. 'Ubaid Zākānī: Souris et chat / Obeyd E Zakani. Des-  
 sins de Fabien Clairefond. Texte français de Parviz Abolgas-  
 semi. - Fuveau: RAC, 1991. - 15 S. : Ill.  
 Einheitssacht.: Müš wa-gurba <franz.>  
 ISBN 2-905205-15-8f 10 E 3634

295. JÓZEFOWICZ-CZABAK, Zofia. 'Ubajd Zakani - blażeństwa i mądrości. Wars-  
 zawa, Ossolineum, 1988, 140 p., résumé de l'introd. en anglais, français et russe.  
 [Obeyd Zakani, bouffonnerie et sagesse]

Livre tiré de la thèse de doctorat de l'A. (Université de Varsovie) sur l'œuvre satirique  
 de 'Obeyd Zakani (m.1371). Une introduction sur l'auteur et son époque précède les  
 traductions (en polonais) de ses poèmes. M. S.

Abstracta Iranica, 13/1990 Leuven, s. 85

14 KASIM 1997

Obeyd-i Zākānī

14 HAZIRAN 1993

Browne

L. H. Persia

no. 230-257

891.59.

21 OCAK 1992

88-932197  
 Micro-fiche (Works)  
 88/59884 Kulliyāt-i 'Ubaid Zākānī : shāmīl-i qaṣ'īd,  
 ghazaliyāt, qit'āt, rubā'iyāt, fushshāgnāmah /  
 bā taḡayyih va muqaddimah-i 'abbās Iqbālī Ashti-  
 yānī. -- Chāp-i 1. -- (Tehran) : Intishārāt-i  
 'Ulū', [197-?]  
 183 p. : facsim., port. ; 22 cm.  
 Poems.  
 In Persian; romanized record.  
 (Collected works of the poet)

Obeyd-i Zākānī (FED)

24719 CHRISTENSEN, A. Remarques  
 sur les facéties de 'Ubaid-i-Zākānī, avec  
 des extraits de la Risāla-i-dilgušā. Act.  
 Or. 3 (1925), pp. 1-37

Obeyd-i Zākānī

24720 RESCHER, O. Zu Artur Christen-  
 sens "Remarques sur les facéties de  
 'Ubeid-i-Zākānī." (Acta orientalia III).  
 Islam 14 (1925), pp. 401-402

Obeyd-i Zākānī

16 HAZIRAN 1993

748. JÓZEFOWICZ-CZABAK, Z. "Społeczeństwo perskie w twórczości satyrycznej  
 Ubajda Zakaniego". Prz. Or. 1-4, n° 132/32 (1984) pp. 57-74  
 [La société persane dans les œuvres satiriques de 'Obeyd-e Zākānī]

L'analyse des œuvres du poète satirique 'Obeyd Zākānī (XIV<sup>e</sup> s.), contemporain de  
 Hāfez, mène à la reconstitution de l'image de la société persane de l'époque, avec tous ses  
 vices et défauts. Les exemples tirés des œuvres du poète témoignent de l'application (ou plu-  
 tôt de la non-application) des différentes règles et lois morales, religieuses, sociales, qui exis-  
 taient dans la société musulmane iranienne. L'A. essaye de démontrer que les œuvres de  
 'Obeyd Zākānī peuvent servir de document pour l'étude sociologique de l'époque. M. S.

302. ZĀKĀNĪ, Obeyd. "Muš-o gorbe", ed. Behruz Zabih. *Dabireh* n° 5 (1989)  
 pp. 82-97.  
 [Le chat et la souris]

Version du texte bien connu de Zākānī, le célèbre poète satirique du XIV<sup>e</sup> s., établie par  
 Behruz Zabih sur des manuscrits anciens, il y a une vingtaine d'années, accompagnée d'une  
 série de dessins humoristiques. (Le texte est ici donné dans une graphie *nax*). Ch.B.

Abstracta Iranica, 13/1990 Leuven, s. 86

14 KASIM 1997

ZĀKĀNĪ : 200018 UBEYD-I ZĀKĀNĪ

BAUSANI, A. : Il "Libro della Barba" Obeid Zakani. A  
*Francesco Gabrieli*, 1964, pp. 1-19.

DUDA, Herbert : Ketze und Mause. Aus dem Persischen  
 übertragen und einem Nachwort versehen. (illust.),  
 1947.

WITTEK, Maria : Ahlaq ul-Asraf. Eine Zeitsatire von  
 Obeid Zakani von Maria Wittek. Wien phil. Diss. 16  
 Dez. 1953. (Machinschr.)

VARASTEH, Khosro : Essai sur Obeid Zakani, écrivain  
 persan du 14e s. Dactylographiee. (These. Lettres.  
 Paris. 1953).

VARASTEH, Kh. : Obeid Zakan, bouffon ou philosophe?

*R. Iranienne d'Anthropologie*, 1, 1957, pp. 52-58 et pp.  
 60-71.

*Kitābshāsi-yi Īran c VII, (1366 H.S.)*  
 Tehran, s. 1003-1004.

21 EKIM 1993

UBEYD-I  
 ZAKANI

947. PURJAVĀDĪ, Naṣrollāh. "Az Qazvin tā Sānfrānsisko, negāhi be jāme'e-ye  
 sonnati-e Īrān va jāme'e-ye jadid-e ḡarb dar ṭanznāmeḡhā-ye 'Obeyd Zākānī va  
 Ambrose Bierce". *Našr-e Dāneš* 7, 6 (1366) pp. 2-17.  
 [De Qazvin à San Francisco : la société iranienne traditionnelle et la société occiden-  
 tale moderne dans l'œuvre satirique d'O.Z. et A.B.]

L'A. souligne l'originalité de l'œuvre de 'Obayd Zākānī, poète satirique iranien (de Qaz-  
 vin) du XIV<sup>e</sup> siècle, ainsi que la rareté des écrits satiriques sous forme de lexique; le *Tarīfāt*  
 reste unique en son genre dans la littérature persane, pourtant riche en écrits satiriques. Il  
 compare ensuite le *Tarīfāt* au *Devil's Dictionary* de l'écrivain-journaliste américain Ambrose  
 Bierce. La comparaison porte sur l'approche, le style, le contenu, et notamment les différen-  
 tes formes de critique sociale. Sont ainsi évoqués : les "bourgeois" (commerçants, médecins...),  
 les philosophes, la religion (musulmans et chrétiens), les bonnes manières, la sexualité — et  
 le langage satirique du poète iranien s'avère souvent plus libre encore que celui de son homo-  
 logue américain au vingtième siècle. On trouve là une approche originale et intéressante de  
 la comparaison entre société iranienne — musulmane — traditionnelle et Occident moderne.  
 N. Y.-H.

03 MART 1994



مَجَلَّة

كَلِمَاتُ اللُّغَاتِ وَالتَّرْجُمَاتِ

العدد الثالث عشر

١٤٠٦ هـ - ١٩٨٦ م

منظومة موش وكريه

لعبيد زاكاني

بقلم د/ يوسف صلاح الدين عبد السلام

صاحب المنظومة :

هو الشاعر الفكه الكبير ، الذي يعد من أشهر شعراء الفكاهة والهزل في القرن الثامن الهجري ، بل في جميع عصور الأدب الاسلامي الفارسي ، الخواجه نظام الدين عبيد الله ، ولد حوالي سنة ٧٠٠ هـ / ١٣٠٠ م في زكان . وهي قرية من قرى غرب قزوين ، وتخلص باسم عبيد زاكاني .

وقد ذكره المستوفي في تاريخه ، ودولتشاه في تذكرته ، وصاحب رياض العلماء ، وعباس اقبال في مقدمة جيدة عنه .

بعض آثاره :

- |                         |                                |
|-------------------------|--------------------------------|
| ١ - كليات اشعاره الجديه | ٢ - مثنوى عشاقنامه             |
| ٣ - كتاب نوار الامثال   | ٤ - كتاب اخلاق الاشراف         |
| ٥ - ريشنامه             | ٦ - صد بند                     |
| ٧ - رسالة التعريفات     | ٨ - الاشعار الهزلية والتضمينات |
| ٩ - رسالة دلکشیا        | ١٠ - مکتوبات قلندران           |
| ١١ - فال نامه بروج      | ١٢ - فالنامه وحوش وطيور        |
| ١٣ - المقامات           | ١٤ - منظومة موش وكريه          |

١ - كليات اشعاره الجديده

يقول براون (١) ، لعبيد اشعار جادة ، تعتبر مجهولة تماما عند معظم كتاب التراجم . ولكنها عرفت بعد ذلك (٢) .

(١) براون : تاريخ الادب الفارسي ج ٢ ص ٣٠  
(٢) كليات عبيد زاكاني ، باهتمام برويز اتابكي

دارجة اما الجزء الارامى فمنه حوالى ٣٠٠ كلمة لم تتكرر ويتضح من الدراسة اللغوية والمعجمية لمفردات العهد القديم ان هناك اعداد كبيرة من المفردات المستعارة من لغات اخرى مثل : الاكادية ، المصرية القديمة ، الحبشية ، الهندية الفارسية الارامية واليونانية ، وكذلك فان دراسة لغة الاسفار على ضوء القوانين الحديثة لعلوم اللغة تساعد على معرفة مراحل تطور اللغة العبرية والسمات المميزة لكل مرحلة .

ظهرت اول طبعة للعهد القديم فى الفترة من ١٤٥٠ وحتى ١١٤٥ للميلاد عندما قام جوتنبرج مخترع الطباعة بنشر ٢٠٠ نسخة فى مجلدين يحتويان على الترجمة اللاتينية « فولجاتا » حيث تقع كل نسخة فى ٦٤٢ صفحة ، وفى الفترة من ١٤٥٥ وحتى ١٥٠٠ صدرت فى أوروبا ١٣٠ طبعة للعهد القديم بلغات مختلفة وفى عام ١٤٧٧ ظهرت فى بلدة بولونيا بايطاليا طبعة لسفر المزامير مع شرح للحاخام داويد قمحى ، أما اول طبعة للتوراة مع الترجمة وشرح وتفسير راشي فقد ظهرت فى بولونيا عام ١٤٨٢ ، والأنبياء فى سونشينو عام ١٤٨٦ والمكتوبات فى نابولى عام ١٤٨٧ ، أما اول طبعة للعهد القديم كاملا فقد ظهرت فى مدينة سونشينو الايطالية عام ١٤٨٨ حيث طبعت ٣٠٠ نسخة مضبوطة بعلامات التشكيل والنبر ، وأما اول طبعة للعهد القديم فقد صدرت فى سونشينو عام ١٤٩٤ وتقع فى ٥٨٥ صفحة .

# A FRANCESCO GABRIELI

STUDI ORIENTALISTICI  
OFFERTI NEL SESSANTESIMO COMPLEANNO  
DAI SUOI COLLEGHI E DISCEPOLI

10 NISAN 1992



ROMA  
DOTT. GIOVANNI BARDI  
EDITORE  
1964

— XXVIII —

Il canto IV del Paradiso, Torino 1961, 24 pp.  
Itinerari europei, Sapri 1962, 87 pp.  
Il canto XII del Purgatorio, Torino 1962, 12 pp.  
Il canto XXVI del Purgatorio, Torino 1963, 20 pp.  
Lecture dal Manzoni: il VI capitolo dei Promessi Sposi, in *Atti e Memorie dell'Arcadia*, s. 3<sup>a</sup>, IV (1963), 17 pp.

### III. - TRADUZIONI (da lingue non orientali).

T. ANDRAE, *Mohammed. Sein Leben und Glaube*, Göttingen 1932 (trad. *Maometto. La sua vita e la sua fede*, Bari 1934, XI-219 pp.).  
J. STENZEL, *Platon der Erzieher*, Leipzig 1928 (trad. *Platone educatore*, Bari 1936, 298 pp., II ed. Bari 1964).  
H. LAMMENS, *L'Islam. Croyances et institutions*, Beirut 1926 (trad. *L'Islam, Credenze e istituzioni*, Bari 1948, 199 pp.).  
Platone, *La Repubblica*, Firenze 1950, XXX-383 pp.  
A. W. KINGLAKE, *Eothen*, Londra 1905 (trad. *Eothen-Viaggio in Levante*, Milano 1951, 254 pp.).

ALESSANDRO BAUSANI

### IL « LIBRO DELLA BARBA » DI 'OBEID ZĀKĀNĪ

'Obeid Zākānī, uno dei più grandi poeti e letterati persiani del XIV secolo, il secolo di Ḥāfēz<sup>1</sup>, per un pregiudizio pseudo-moralistico, date le sue numerose produzioni « oscene », non è stato studiato finora come meriterebbe né da orientali né da occidentali e solo in epoca relativamente recente si è cominciato a rivalutarlo. Se si eccettua il *Mīš-o-Gorbē* (Il Topo e il Gatto) (sulla cui autenticità del resto qualcuno ha elevato dubbi)<sup>2</sup> più di una volta tradotto in lingue europee, nulla o quasi di Zākānī è conosciuto in occidente. Uno studio più approfondito di questo autore sarebbe invece di grande interesse da due punti di vista: uno stilistico, inquantoché Zākānī è uno dei pochissimi poeti della sua epoca che non si sia lasciato sommergere dalla marea mistica che ha ormai invaso la lirica del *gāzal*, uno sociale-culturale in quanto le sue opere, specialmente le « scherzose », sono una miniera, — ahimè spesso di difficile interpretazione data la distanza di tempo che ci separa da lui, — di notizie importantissime sulle classi sociali, le abitudini, le *Realien* insomma della vita del '300 persiano.

La scarsità di spazio a mia disposizione mi ha fatto scegliere, come primo esempio di opera « scherzosa » di Zākānī da tradurre, la breve epistola *Rīš-nānū* (Il Libro della Barba), forse non la più significativa (meriterebbe più urgentemente una traduzione il robusto pamphlet di

<sup>1</sup> Su di lui, in persiano, si veda l'ottima introduzione del prof. 'Abbās Eqbāl alla edizione delle sue opere serie *Kulliyāt-e 'Obeid-e Zākānī* Teheran 1321/1942, poi ripubblicata assieme alle opere « oscene » dallo stesso autore. In italiano si vedano le pp. 450-463 della mia *Storia della Letteratura Persiana* (Milano 1960) che contengono anche una traduzione in versi quasi completa del *Mīš-o-gorbē*. Inoltre la bibliografia contenuta ivi e nella *Iranische Literaturgeschichte* del Rypka (Leipzig 1959) pp. 266-267 e 615. Il Browne ha anche un ampio brano su Zākānī nella sua storia della letteratura persiana (*A Literary History of Persia*, III, Cambridge 1951, pp. 230-257) con ampi estratti di sue opere.

<sup>2</sup> Per esempio l'acuto studioso persiano contemporaneo M. Mīnovi, cit. in RYPKA, *op. cit.*, p. 267, nota 92. Dell'operetta esiste anche una graziosa traduzione tedesca del turcologo ed iranista di Vienna, prof. Duda.

# Iran Nameh

A Persian Journal of Iranian Studies

Libeyd-i Zākānī FOUNDATION FOR IRANIAN STUDIES

# Iran Nameh

On Fārsī, the Language —  
*Jalal Matini*  
 Babr-i Bayān: Varieties of Invulnerability —  
*Djalal Khaleghi Motlagh*  
 Notes on 'Ubeyd-i Zākānī's Jokes —  
*Mahmoud Omidshalar*  
 The Rise of Ferdowsi and his *Hekmat* —  
*H. Farhudi*  
 Sharafnāmah-ye Shāhī  
*Sultan Hussein Sanandaji*

\*\*\*

Khotanische Suffixe —  
*Almuth Degener*

Historical Documents:  
 British Policy on Iran

Selections:  
 Fārsī, Darī, and Tājīk

Book Reviews:  
*Die Sterne des abd-ar-Rahman as-Sufi*  
*Hermann Hunger*

Vol. VI, No. 2, Winter 1988

Vol. VI, No. 2, Winter 1988

غیره). مرحوم کریستن سن، خود عبید را نویسنده‌ای ابداعگر می‌خواند و از او با جمله "auteur persan tres original" (Christensen, 1924:1) یاد می‌کند. کریستن سن در ضمن مقاله عالمانه‌اش داستانهای شبیه به لطائف عبید را که در آثار نویسندگان پس از او یا در حکایات شفاهی وارد شده است متذکر می‌گردد (Christensen, 1924: 7-38). ناگفته نماند که این محقق در آغاز مقاله خود اشاراتی را که در آثار عبید به کارهای سعدی شیرازی شده است نیز یادآور می‌شود (Christensen, 1924: 2-4). اما اگر با دقت در لطائف عبید زاکانی غور کنیم می‌بینیم که تقریباً هیچ یک از لطائف او نیست که یا عیناً یا روایتی از آن قرن‌ها قبل از این نویسنده در آثار ادبای متقدم عرب وارد نشده باشد. در واقع خود عبید در مقدمه رساله دلگشا بصراحت می‌نویسد که: «بعض نکت و اشارات و حکایات که بر خاطر وارد است در قلم آورده مشتمل بر دو باب یکی عربی و یکی پارسی» (عبید، ۱۳۴۳: ۲۳۹). کریستن سن هم این نکته را حدس زده می‌نویسد که لطائف عربی عبید احتمالاً بر اساس منابع کتبی است در حالی که لطائف فارسی وی از داستانهایی است که در زمان زندگی در افواه رایج بوده است (Christensen, 1924: 7). به عقیده نگارنده حتی نظری اجمالی بر متون متقدم عرب نشان می‌دهد که اکثر این حکایات چه لطائف فارسی و چه لطائف عربی قبلاً در متون وارد شده بوده است و بسیاری از اینها را عبید طابق النعل بالنعل نقل کرده است. لازم به تذکر است که این سرقت ادبی نیست بلکه روشی بسیار شایع و رایج است در متون متقدمه. علاوه بر این، اکثریت قریب باتفاق این حکایات قبل از ورود به متون و جزء ادبیات شدن بصورت شفاهی میان اعراب متداول بوده است. نصّ عیون الاخبار ابن قتیبه و کتاب الاغانی ابوالفرج اصفهانی و دیگر کتب ادبی قدیمه که برای هر حکایت سلسله روایان را متذکر می‌گردد این معنی را به بهترین وجهی ثابت می‌نماید. در واقع ابن قتیبه از یحیی بن خالد برمکی نقل می‌کند که: «التاس یکتبون احسن ما یسمعون و یحفظون احسن ما یکتبون و یحدثون باحسن ما یحفظون» (مردم بهترین آنچه را که می‌شنوند می‌نویسند، و بهترین آنچه را که به خاطر سپرده‌اند بر زبان می‌رانند) (ابن قتیبه: ج ۲، ص ۱۳۰). ادبیات قدیم عرب و عجم اساساً چیزی نیست بغیر از مقدار بسیار زیادی از آنچه که قبلاً شفاهاً نقل می‌شده است بصورت کتبی و به زبان ادبی. عبید هم مانند دیگر نویسندگان همعصر خود از روایات شفاهی سود فراوان برده است. اما باید در نظر داشت که

## ملاحظاتى درباره لطائف عبید زاکانی در «رساله دلگشا»

نظام الدین عبیدالله زاکانی (ف در حدود ۷۷۲هـ / ۱۳۷۰م) بدون تردید یکی از بزرگترین ادبای قرن هشتم هجری است. درباره آثار او بخصوص رساله اخلاق الاشراف و مجموعه لطائفش معروف به رساله دلگشا بسیار نوشته‌اند. یکی از جامعترین این نوشته‌ها مطالبی است که مرحوم ادوارد براون در کتاب تاریخ ادبیات ایران درباره وی آورده است. علاوه بر آن از تحقیقات فاضل ارجمند استاد غلامحسین یوسفی در کتاب ارزنده‌اش دیداری با اهل قلم می‌توان نام برد.<sup>۱</sup> علی‌رغم نوشته‌های بسیار در باب عبید تنها تعداد معدودی از متخصصین، رابطه لطائف عبید را با دیگر آثار ادبی فارسی و عربی متذکر شده‌اند.<sup>۲</sup> از این میان نوشته‌های آرتور کریستن سن ایرانشناس بزرگ دانمارکی از همه جامعتر است.<sup>۳</sup> در مجموع این نوشته‌ها بیشتر به تحلیل آثار عبید از نظر اجتماعی پرداخته، طنز وی را حربه‌ای علیه فشار و اختناق و دوروییهای موجود در جامعه زمانش پنداشته‌اند. اکثر این فضلا عبید را خالق این داستانهای انتقادی دانسته‌اند و او را نویسنده‌ای مبتکر خوانده‌اند. مثلاً استاد ذبیح الله صفا در تاریخ ادبیات در ایران می‌نویسد: «اگر او را [یعنی عبید را] از لحاظ... طیبیت و مزاح و هزل بنگریم شاعری است که پشت به جامعه دوران خود کرده و آن را طرد نموده است... عبید تواناترین نویسنده و شاعری است که توانست به صورتهای گوناگون... عیبهای جامعه فاسد و تباہ عهد خویش را... بیان کند... وی در غالب این انتقادات کاملاً مبتکر است و با هوش سرشار و توانایی کاملی که در نثر و نظم داشته مطالب تازه و ابداعی را با زبانی ساده و فصیح چنان بشیرینی ادا کرده است که هنوز هم دهان بدهان می‌گردند و غالباً در حکم امثال سائره فارسی هستند.» (صفا: ۱۳۴۶: ۳: ۹۷۷ و قس صفحات ۹۶۵-۹۶۷). استاد یوسفی نیز مراتب «ابتکار و نواندیشی» عبید را در اثر ارزنده خود متذکر می‌شوند (یوسفی: ۱: ۲۵۳۵: ۲۸۹، ۳۰۴ و

A MEDIEVAL PERSIAN SATIRIST

Nizamuddin Ubaydullah

By A. A. HAJDARI

772/1371

a literary  
History of Persian

3-159-209  
211, 230-57  
260, 299, 350  
351, 352, 492

The thirteenth and fourteenth centuries are outstanding chapters even in such an eventful history as that of Persia. The former witnessed the Mongol invasion and occupation; the latter ended amidst the campaigns of Timur. Although the Mongol onslaught caused much destruction, the unexpected literary outburst of the period remains a monument to the indestructible spirit of man. It is ironic that an age of terror and devastation should bring in its wake an unprecedented flowering of culture, as though the phoenix rises renewed from the ashes. For this very period produced the three greatest Persian poets, namely, Rūmī, Sa'dī and Ḥāfiẓ, and the age in which they lived is by common consent regarded as the Golden Age of Persian poetry. In prose too, although to a lesser extent, fine work was produced, most notably of course, Sa'dī's *Gulistān*.

An older contemporary of Ḥāfiẓ, 'Ubayd Zākānī, a competent but on the whole minor poet, is regarded as an important writer owing to the satirical aspect of his writing. He is described by a modern admirer as 'by far the greatest of the Persian classical satirists'.<sup>1</sup> 'Abbās Iqbāl, in the introduction to his edition of Zākānī's works, remarks, 'Ubayd to some extent resembles the great French writer Voltaire'.<sup>2</sup> E. G. Browne described him as '... perhaps the most remarkable parodist and satirical writer produced by Persia'.<sup>3</sup> However one chooses to describe him, there is no doubt that in his particular field of satire, Zākānī stands head and shoulders above his rivals—like 'Umar Khayyām in the genre of the *Rubā'ī*. While not to be placed among the greatest writers, both remain unsurpassed in their chosen genres.

Zākānī was a versatile though not prolific writer who wrote prose as well as poetry. His prose is more varied than his poetical work and superior to it. With the single exception of the comic narrative poem, *Mūsh u Gurbah* (Mouse and Cat), his long poems are mostly not of exceptional interest, though graceful enough. In his prose Zākānī was influenced by Sa'dī's *Gulistān*. Not that Zākānī was a mere imitator. On the contrary, in terseness and simplicity he can even surpass Sa'dī, although he lacks his polish. The combination of Zākānī's literary talent and his sardonic observation of the ills of his time has left us a volume of writing reflecting the impressions of a shrewd observer of humanity.

Satirical writing is not infrequent in classical Persian literature, either in the form of *hajw* (most commonly, satire in the sense of personal abuse) or that of *latīfah* (witticism) and *hazl* (often obscene). Zākānī, whose works seem to contain no attacks on living individuals, belongs mainly in the latter tradition. Court jesters to some extent filled the role of satirists. Even those monarchs who sought the flattery of servile court poets favoured the mockery of the jester, the only courtier who dared to make sarcastic and unrefined remarks openly. Zākānī himself, perhaps the closest thing to a fully-fledged medieval Persian satirist, is said, though the account is perhaps somewhat less than factual, to have initially regarded himself as a scholar-poet and only later changed his course. For according to Dawlatshāh, when he was seeking the patronage of Abū Ishāq Injū (d. 1357), he composed a treatise on rhetoric, intending to present it to the shah. He was not, however, granted an audience and was told

<sup>1</sup> M. Farzad, *Rats against cats*, London, n.d., 5.

<sup>2</sup> *Kulliyāt-i 'Ubayd-i Zākānī*, (2 volumes in one), Tehran, 1332/1953 I, pp. yā, hā.

<sup>3</sup> E. G. Browne, *A literary history of Persia*, III, Cambridge, 1920, 230.

Ubejd-i Zakani

BARBARA MAJEWSKA

'UBAJD ZAKANI – NIESPOKOJNY DUCH  
KLASYCZNEJ LITERATURY PERSKIEJ

W roku 1988, po trzydziestosześcioletniej przerwie, ukazała się ponownie publikacja orientalistyczna wydana pod patronatem Polskiego Towarzystwa Orientalistycznego. Jest to licząca 140 stron monografia Zofii Józefowicz-Czabak, *'Ubejd Zakani, blażeństwa i mądrości* opublikowana przez Ossolineum i subsydiowana przez Polską Akademię Nauk.

Niestety czytelnik został, przez nadmierną – moim zdaniem – wstrzeźliwość informacyjną patrona, pozbawiony podstawowych wiadomości o miejscu tej pozycji w działalności wydawniczej PTO. A jest to w istocie pozycja piąta wydawanej przez PTO od roku 1925 serii „Biblioteka Wschodnia”. Serię tę zainaugurowała monografia Tadeusza Kowalskiego, *Turcja powojenna*. Pozycja opatrzona numerem drugim ukazała się już w roku następnym, 1926, i były to przełożone z sanskrytu przez Andrzeja Gawrońskiego, *Wybrane pieśni epiczne Aśwagoszy*. W r. 1933 opublikowano przełożone z perskiego przez A. Gawrońskiego i wydane pośmiertnie *Wybrane czterowiersze Omara Chajjama*. Jakkolwiek literacko doskonała, była to jednakże niejako pozycja zastępcza na miejsce zapowiadanych jako tom trzeciej serii *Dziejów Indii* (od czasów najstarszych do podboju muzułmańskiego), którego to zamierzenia zmarły przedwcześnie A. Gawroński nie zdołał już zrealizować. Niestety wybuch wojny przerwał tę jakże pożyteczną działalność w dziedzinie popularyzowania rzetelnej wiedzy o Wschodzie w społeczeństwie polskim. Po drugiej wojnie światowej PTO wznowiło w r. 1952 „Bibliotekę Wschodnią” monografią iranistyczną Franciszka Machalskiego, *Historyczna powieść perska*. Wielka zatem szkoda, iż w wypadku ostatniej publikacji władze PTO nie opatrzyły jej ani nazwą ani numerem serii. Wszakże w takich stowarzyszeniach jak PTO, które powstały wraz z odzyskaniem przez Polskę niepodległego bytu państwowego, wypracowana przez lata tradycja jest jednym z ważniejszych elementów stanowiących o ich randze społecznej i kulturowej. Nie mniejszą wagę ma również fakt, że z reguły łatwiej jest wydawać pozycje należące do serii, niżeli luźne. Jeżeli więc PTO będzie – a miejmy nadzieję, że tak – kontynuowało wznowioną serię, niechaj przy następnych pozycjach wydawniczych wprowadzi nazwę i kolejny numer tomu „Biblioteki Wschodniej”.

Dla pełnej informacji należy dodać, iż od roku 1969 ukazują się pod egidą PTO, a zainicjowane przez Polski Komitet do Spraw UNESCO, tomiki

# **'Obeyd-e Zakani**

## ***The Ethics of the Aristocrats and Other Satirical Works***

***translated by  
Hasan Javadi***

Türkiye Diyanet Vakfı İslâm Araştırmaları Merkezi Kütüphanesi	
Dem. No:	61122
Tas. No:	207.45 UBE-E

23. MART 1985

***Middle Eastern Series: No. 11***

***Jahan Books Co.***

***1985***

## تصانيف - 2172 - عبيد الله ، نظام الدين عبيد زاكاني القزويني

الشيرازي الوزير المنشي الكاتب الظريف النقاد ، الهجاء ،  
الشاعر المتخلص بزاكاني ، المعروف بعبيد زاكاني المتوفى

1369/771

( أنظر : قاموس الأعلام 3122/4 ؛ فهرس أوزاكه 4/2 ؛ آغا  
بزرگ ظهراي الذريعة 706/9 )

من تصانيفه :

1 - أخلاق الأشراف ( منظوم ) ( ف )

تاريخ التأليف 740 هـ نورعثمانيه رقم 3/3586 ورقة

67-56 ؛ جامعة إستانبول رقم 4/123 ورقة 37-22

، 1029 هـ متحف الآثار رقم 1021 ورقة 104-

122 ؛ راغب باشا رقم 5/1192 ورقة 140-158 ؛

طبع في طهران 1332 ؛

2 - ده فصل في الأدب واللغة = ده فصل في إصطلاحات أهل  
زمانه ( منظوم ) ( ف )

نجيب باشا رقم 3/396 ورقة 99-104 ، 853 هـ

نورعثمانيه رقم 4/3856 ورقة 67-68 ؛ جامعة

إستانبول رقم 3/123 ورقة 19-22 ، 1029 هـ

حميديه رقم 1447 ورقة 103 فقط ؛ راغب باشا رقم

8/1192 ورقة 199-203 ؛ آياصوفيا رقم

12/4795 ؛

3 - ديوان عبيد زاكاني - في الأدب ( ف )

نجيب باشا رقم 1/396 ورقة 73 ، 853 هـ نورعثمانيه رقم

1/3856 ورقة 37 ؛ جامعة إستانبول رقم 123 ورقة 2-

18 ، 1029 هـ

4- دلکشا = هزليات في الأخلاق والأدب ( منظوم ) ( ت )

نجيب باشا رقم 4/396 ورقة 104-120 ، 853 هـ

جامعة إستانبول رقم 5/123 ورقة 37-61 ، 1029 هـ

رقم 123 ؛ أسعد أفندي رقم 3429 ورقة 394-399 ؛

راغب باشا رقم 6/1192 ورقة 158-192 ؛ قسطنطيني رقم

2008 ؛

5 - ريش نامه - في الأدب ( منثور ) ( ف )

جامعة إستانبول رقم 6/123 ورقة 61-67 ، 1029 هـ

هـ نجيب باشا رقم 5/396 ورقة 126-134 ، 853 هـ

هـ راغب باشا رقم 7/1192 ورقة 192-198 ؛

6 - شرح الملخص للجغميني - في الهيئة

لاله لي رقم 2128 ؛

7 - صد بند - في الأدب والموعظة ( منثور ) ( ف )

تاريخ التأليف 750 هـ ؛ نجيب باشا رقم 4/396 ورقة

120-126 ، 853 هـ جامعة إستانبول رقم 7/123

ورقة 67-71 ، 1029 هـ راغب باشا رقم

9/1192 ورقة 203-207 ؛ آياصوفيا رقم

11/4795 ؛

8 - طالع نامه = قال نامه ( منظوم ) ( ف )

جامعة إستانبول رقم 8/123 ورقة 71-80 ، 1029 هـ

9 - عشاق نامه = عشق نامه ( منظوم ) ( ف )

2174 نجيب باشا رقم 2/396 ورقة 74-99 ،

853 هـ نورعثمانيه رقم 2/3856 ورقة 38-

55 ؛ جامعة إستانبول رقم 2/123 ورقة واحدة ؛

متحف الآثار رقم 1021 ورقة 81-103 ؛ راغب

باشا رقم 3/1192 ورقة 95-119 ؛ طبع في

1314 مع مقدمة النفيسي ؛

10 - غزليات عبيد زاكاني - في الأدب ( ف )

راغب باشا مجموعة رقم 2/1192 ؛

11 - فال نامه ، وحوش وطيور ( منظوم ) ( ف )

جامعة إستانبول رقم 9/123 ورقة 80-82 ،

1029 هـ رقم 10/123 ورقة 83-85 ،

1029 هـ

12 - قصائد عبيد زاكاني - في الأدب ( ف )

راغب باشا رقم 2/1192 ورقة 95 ؛

13 - قصيدة موش وكرهه ( منظوم ) ( ف )

جامعة إستانبول رقم 11/123 ورقة 85-87 ،

1029 هـ طبع في برلين 1341 ؛

14 - كليات عبيد زاكاني - في الأدب ( ف )

نجيب باشا رقم 396 ورقة 134 ، 853 هـ

نورعثمانيه رقم 3856 ورقة 68 ؛ جامعة إستانبول

رقم 123 ورقة 89 ، 1029 هـ راغب باشا رقم

1192 ورقة 203 ؛ لالا إسماعيل رقم 572 ؛

حميديه رقم 1181 ؛ طبع في 1321 ، 1337 ؛

15 - مقالة في فضائل النطق ( ف )

خزينه رقم 2/1713 ورقة 7-13 ، 1143 هـ

16 - نوادر الأمثال - في الحكم واللطائف ( منثور )

عاشر أفندي رقم 3/430 ورقة 29-32 ؛ راغب

باشا رقم 4/11925 ورقة 119-140 ؛

...

2173 - عبيد بن محمد بن عباس تقي الدين أبو القاسم

الإسعدي ، الحافظ المحدث الأصولي ، عارف بالرجال ،

المعروف بالإسعدي المتوفى 1293/692

( أنظر : كشف الظنون 989 ؛ ذيل كشف الظنون 11/2

، 12 ؛ هدية العارفين 343/1 ؛ الزركلي الأعلام

190/4 ؛ معجم المؤلفين 235/6 )

من تصانيفه :

1 - فضائل الكتاب الجامع للترمذي - في الحديث

إسماعيل صاب رقم 2167 كتب في القرن 8 هـ

2 - الفوائد في الحديث

كوبريلى 5/400 ورقة 42-62 قيد المقابلة 654 هـ

01 EKIM 2006

علي رضا قره بلوط، معجم المخطوطات الموجودة في مكتبات  
إستانبول ، الجزء الثاني، [y.y.,t.y.] ، İSAM 141628

689 : 690

ATATÜRK ÜNİVERSİTESİ  
SOSYAL BİLİMLER ENSTİTÜSÜ  
DOĞU DİLLERİ VE EDEBİYATLARI  
ANABİLİM DALI

Hasan ÇİFTÇİ

**'UBEYD-İ ZÂKÂNÎ  
TOPLUMSAL GÖRÜŞLERİ, AHLÂK  
VE FELSEFESİ**

21 ARALIK 2001

Doktora Tezi

T.C.

Türkiye Diyanet Vakfı İslâm Araştırmaları Merkezi Kütüphanesi	
Dem. No:	77141
Tas. No:	170 ÇİFTÇİ

Tez Yöneticisi  
Prof. Dr. M. Nazif ŞAHİNOĞLU

ERZURUM - 1996



21 TEMMUZ 1997



# عبید زاکانی

## طنز پرداز روزگارانِ خاموشی



«دکتر امیر وامقی»

(بخش اول)

D1572

نوشته‌اند که گاهی از مجموع آثار آنان بیشتر است. اگر همه داستان‌هایی که دربارهٔ فردوسی گفته و نوشته شده جمع‌آوری شود - فقط تعدادی از آنها را مرحوم انجوی در چند جلد فراهم کرد - بی تردید چند برابر خود شاهنامهٔ آن بزرگمرد خواهد شد. یک مثال روشن‌تر در این باب شرح زندگانی شیخ ابی سعید ابی‌الخیر است. دربارهٔ شیخ دستکم دو کتاب در زبان فارسی موجود است. یکی کتاب اسرار التوحید، بقلم یکی از احفاد شیخ، محمد بن منور و دیگری کتابی که نام آن و نام نویسندهٔ آن تاکنون دانسته نیست و زیر عنوان «حالات و سخنان شیخ ابی سعید» چند

برگرداگرد سر همهٔ بزرگان سرزمین، علی‌الخصوص شاعران و نویسندگان آنچنان هاله‌ای از افسانه کشیده شده که بسختی می‌توان چهره روشن آنها را بر صفحه تاریخ رسم کرد. جایی که آگاهی‌های ما دربارهٔ بزرگترین شخصیت ملی و ادبی کشورمان و زنده‌کنندهٔ نام ایران، یعنی فردوسی بزرگ تا آن حد ناچیز و اندک است که حتی نام کوچک آن بزرگمرد تاریخ را بدرستی نمیدانیم، حساب دیگران معلوم است. چه رازی در این میان نهفته است؟ از سوی دیگر دربارهٔ همین بزرگان آنقدر افسانه

- Ubeyd-i Zekānī

23 TEMMUZ 1992

Oriens, c. 29-30, s. 172-173,

1986 (Leiden)

25. 'Ubaid i Zākānī

Xwāca Nizāmuddīn 'Ubaidullāh, aus Zākān (Bezirk Qazwīn). Gestorben 772/1371.

*Literatur:* 'Āsimī, Muḥammad: Maulānā Nizāmuddīn 'Ubaidullāh i Zākānī, „Payām i nawīn“ 1/9, 1-15; Wārasta, Khusrau, 'Ubaid i Zākānī; hazzāl yā ḥakīm, „Mardšīnāstī“ 1, 128-37, 179-88; 2, 175-82; Cawānmard, 'Alī: Yak muntaqīd i buzurg i ictimā'ī: 'Ubaid i Zākānī, „Paik i šulḥ“ 1, 37-46, und „Sitāra i šulḥ“ 1, 57-65; Xānlari, Parw. Nāt.: Yak muntaqīd i ictimā'ī i zabardast: 'Ub, Zāk., „Suxan“ 3, 408-12, 525-30.

Die *Kulliyāt* Zākānīs (vgl. Abbas A. Kašani, The Story of the Catand Mice, Teheran 1970) sowie auch einzelne seiner Werke sind mehrfach gedruckt worden (vgl. Mušār, FKČF 744; Rypka, HIL 806). In der Fatih-Bibliothek sind davon folgende Einzelwerke belegt:

25.1. Der *Dīwān*. Enthält Qašīden, Tarkībāt, Tarcī'āt, Ġazals, Qit'as, Rubā'īs, Maḡnawīs, resp. Lobgedichte, Liebesgedichte, Gelegenheitsgedichte, ethisch-religiöse Gedichte, vor allem aber auch spöttische und frivole Gedichte.

25.2. 'Uššāq-nāma, geschrifteten 721/1321-1. Anfang:

خدايا تا ازین فروزه ايوان

Die übrigen Werke sind in ungebundener Sprache verfaßt, nämlich

25.3. *Axlāq al-ašraf*, auch *Risāla i Nāsīx u mansūx* genannt. Anfang:

شكر ناصبور وحمد نامحدود حضرت واجب الوجود را

25.4. *Rīs-nāma*. Vgl. Bausani, A.: Il „Libro della Barba“ di 'Obeid Zākānī, „A Francesco Gabrieli“ 1964, 1-19. Anfang:

شكر و سباس (ثنا) بادشاهی را ...

25.5. *Risāla i Šad pand*. Anfang:

الحمد لله على نعمته ونواله ...

وبعد بر رای ارباب خرد وکیاست ...

25.6. *Risāla i dilgušā* (Geschichten in arabischer und persischer Sprache). Vgl. A. Christensen: Remarques sur les facéties de 'Ubaid i Zākānī avec des extraits de la *Risālā-i-dilgušā*, „Acta Orientalia“ 3 (1925), 1-37. Anfang:

الحمد لله على نعمه ونواله ... چنین گوید مولف این رسالت ... که فضیلت نطق که شرف انسان بدان منوطست

25.7. *Dah fašl*, manchmal auch *Risāla i ta'rīfāt* betitelt. Anfang:

شكر و ثنا (سپاس) حضرت خالق را

Kulliyāt

3753 (= TIEM 1950), Rand 322a-399b

30,7 × 20 (27,8 × 16,9; 21,7 × 13,5) cm. 2 × 30 schräge Z. Nasta'liq.

1) 322a-371a: Gedichte (*Dīwān* und '*Uššāq-nāma*).

a) 322a-342a: *Qašā'id*, 2 *Tarkīb-bands* und *Muqatta'āt*. Anfang:

ای زآفتاب صنع تو یک ذره کاینات

b) 342b-352b: '*Uššāq-nāma* (25.2).

c) 352b-363b: *Ġazaliyāt*. Anfang:

خوشا کسی که زعشقش دی رهالی نیست

d) 363b-371a: *Rubā'iyāt*. Anfang:

ای در سر هر کس از تو سودای دگر

e) 371a-372b: *Dah fašl* (25.7).

f) 373a-376a: *Risāla i rīs* (= *Rīs-nāma*, 25.4).

g) 376a-384b: *Risāla i Nāsīx u mansūx* (= *Axlāq al-ašraf*, 25.3).

h) 384b-397a: *Risāla i Dilgušā* (25.6).

i) 397a-399b: *Šad pand* (25.5).

801h.

Abu ‘l-Farādj al-Isfahānī, *Maḳātīl al-Ṭālibīyyīn*, ed. Saḳr. 97 ff.; Mubarrad, *al-Kāmil*, ed. Wright, index; Mas‘ūdī, *Murūdj*, ed. Pellat. vii, index; S.P. Brock, *North Mesopotamia in the late seventh century. Book XI of John Bar Penkāyē’s Rīs Mellē*, in *JSAI*, ix (1987), 64 ff.; Michael the Syrian, *Chronique*, Paris 1899-1924, xi-xv; J. Walker, *A catalogue of the Arab-Sassanian coins, etc.*, London 1941, pp. xlvii-xlviii, 52 ff., and index; H. Gaube, *Arabosasanidische Numismatik*, Brunswick 1973, 75, 87, and index; M. Morony, *Iraq after the Muslim conquest*, Princeton 1984, index; G. Rotter, *Die Umayyaden und der zweite Bürgerkrieg 680-692*, Wiesbaden 1982, index; J. Wellhausen, *Die religiös-politischen Oppositionsparteien im alten Islam*, Berlin 1901, tr. R.C. Ostle and S.M. Walzer, *The religio-political factions in early Islam*, Amsterdam 1975, index; idem, *Das arabische Reich und sein Sturz*, Berlin 1902, tr. M.G. Weir, *The Arab kingdom and its fall*, Calcutta 1927, index. (C.F. ROBINSON)

✓ **‘UBAYD B. SHARYA** [see **IBN SHARYA**].

✓ **‘UBAYD-I ZĀKĀNĪ**, or Nizām al-Dīn ‘Ubayd Allāh al-Zākānī, Persian poet of the Mongol period who became especially famous for his satires and parodies. He was born into a family of scholars and state officials descending from Arabs of the Banū Khafādjā [*q.v.*] settled in the area of Ḳazwīn since early Islamic times. In 730/1329-30 the historian Hamd Allāh Mustawfī described him as a talented poet and a writer of learned treatises. A collection of Arabic sayings by prophets and wise men, entitled *Nawādir al-amthāl*, belongs to this early period. When later in the same decade the central government of the Īl-Khāns collapsed, ‘Ubayd found a refuge in Shīrāz at the court of Abū Ishāk Īndjū [see **ĪNDJŪ**] whose death in 758/1357 he commemorated in an elegy. A few years earlier his patron had been ousted from Shīrāz by Mubārīz al-Dīn Muḥammad of the Muẓaffarids [*q.v.*]. This probably forced ‘Ubayd to leave the town for some time, but he must have returned during the reign of Shāh Shudjā’ (765-86/1364-84). ‘Ubayd addressed panegyrics to the rulers of Fārs as well as to Sultan Uways I (757-76/1356-74) of the Djalāyirids [*q.v.*], who resided in Baghdād and Tabrīz. According to later sources, he is said to have died in 771/1369-70 (Šādīḳ Isfahānī in *Shāhid-i Šādīḳ*) or 772/1370-1 (Taḳī al-Dīn Kāshī in the anthology *Khulāṣat al-ash‘ār*). The fact that, in the latter year, his son inherited a manuscript copied by ‘Ubayd in 768/1366-7 confirms both datings (cf. ‘Abbās Iḳbāl, *Kullīyyāt*, *Introd.*, pp. *hā* ff.).

The collected works of ‘Ubayd-i Zākānī comprise in the first place a *Dīwān* with his serious court poetry, mainly *ḳaṣīdas* and *ghazals*. The latter poems are remarkable, in particular because many of them must have been written in Shīrāz when Ḥāfiẓ [*q.v.*] was active there as well. To the non-satirical works further belongs the *‘Ushshāk-nāma*, a treatise on the theory of secular love in *mathnawī* interspersed with *ghazals*, dedicated in 752/1350 to Abū Ishāk. This part of his poetry was published separately by ‘Abbās Iḳbāl (Tehran 1321 *sh.*/1942) and S.A. Usha (Madras 1952).

His satirical works are written both in prose and poetry, and usually in a combination of the two. Several of these texts are parodies of conventional genres of moralising literature. In *Akhṭāk al-ash‘āf* (“The morals of the noble”), written in 740/1339-40, the “abolished doctrine” (*madhhab-i mansūkh*) of commonly accepted virtues is mockingly replaced by a more up-to-date “preferred doctrine” (*madhhab-i mukhtār*) prescribing the exact opposites of the same virtues. This short treatise was partially translated by E.G. Browne

and H. Javadi; the chapter on chastity, bowdlerised by both, was newly edited and translated by P. Sprachman, *Suppressed Persian*, 55-61. In a similar vein, ‘Ubayd gave satirical definitions of items belonging to the sphere of religion, politics and social life in his *Risāla-yi ta‘rīfāt*, also known as *Kitāb-i dah faṣl*, and presented cynical maxims in the *Risāla-yi ṣad pand*. The *Risāla-yi dilgushā* is a collection of funny, and often bawdy, tales and anecdotes in Arabic and Persian. An interesting specimen of literary satire is the *Rīsh-nāma* (“The book of the beard”), in which a personification of the beard defends its virtues in a dispute with the poet. The main topic is the first appearance of the beard on a young boy’s cheeks, a well-known motif of erotic poetry. An Italian translation of the *Rīsh-nāma* was made by A. Bausani (*Il Libro della barba* in *A Francesco Gabrieli*, Rome 1964, 1-19); Sprachman edited and translated the same text in *Suppressed Persian*, 61-75. The other satirical texts also contain several passages with jokes of a homo- or heterosexual nature. In three short *fāl-nāmas* ‘Ubayd made fun of the practice of taking auguries. In 1303/1885-6 the satirical works were printed at Constantinople with introductions by Mīrzā Ḥabīb Isfahānī and the French consul M. Ferté (reprinted in *Kullīyyāt*, ed. ‘A. Iḳbāl).

His most popular work is a *ḳaṣīda* entitled *Ḳīṣṣa-yi mūsh-u gurba* (“The story of the mice and the cat”). This fable, denouncing the brutality and hypocrisy of a tyrant, is sometimes taken to criticise the harsh rule of Mubārīz al-Dīn under which both ‘Ubayd and his contemporary Ḥāfiẓ had to suffer. As the poem does not occur in the earliest manuscripts of ‘Ubayd’s collected works, the attribution to him is not entirely certain (cf. Ateş, 269). Among the many translations, those by Mas‘ūd Farzād (London 1945) and Omar Pound (London 1972), both into English, and by Herbert W. Duda into German (Salzburg 1947) are noteworthy.

*Bibliography*: The edition of the *Kullīyyāt* by ‘A. Iḳbāl (Tehran 1331-2 *sh.*/1953) does not provide adequate texts of the satirical works; for recent work on a new edition, cf. Dī. Maḥdǧūb, in *Īrānshīnāsī*, vi (1994), 139-59, 287-304, as well as the specimens published by Sprachman. See further Browne, ii, 230-57; A. Christensen, *En persisk satiriker fra Mongolertiden*, Copenhagen 1924; A.J. Arberry, *Classical Persian literature*, London 1958, 289-300; A. Bausani, in A. Pagliaro and A. Bausani, *Storia della letteratura persiana*, Milan 1960, 450-63; J. Rypka, *History of Iranian literature*, Dordrecht 1968, 272-3; A. Ateş, *Istanbul kütüphanelerinde Farsça manzum eserler*, i, Istanbul 1968, 268-73; H. Javadi, *The Ethics and other satirical works*, Piedmont, Cal. 1985 (trs. with introd. and bibl.); P. Sprachman, in E. Yarshater (ed.), *Persian literature*, Albany 1988, 227-34; idem, *Suppressed Persian. An anthology of forbidden literature*, Costa Mesa, Cal. 1995, 44-75.

(J.T.P. DE BRUIJN)

**UBAYY B. KA‘B** al-Anṣārī al-Madanī, a member of the Banū Ḥudayla of the Medinan clan of al-Nadǧǧār, secretary to Muḥammad in Medina and early collector of the Ḳur‘ān; his date of death may have been anywhere between 19/640 and 35/656, according to Ibn al-Djazarī, *Ṭabaḳāt*, no. 131. Known as *sayyid al-ḳurrā’* and renowned for his memory (he was able to recite the entire Ḳur‘ān in 8 nights), Ubayy is said to have collected his own copy of the Ḳur‘ān prior to the collection commanded by ‘Uṭmān, while also having been involved in the latter’s collection. Both the contents and the *ṣūra* order of his text are reported to have been different to

## منتخباتی از آثار عبیدزاکانی

از روی نسخه خطی مورخ ۸۶۸ هجری

مرحوم اسمعیل امیرخیزی مجموعه ای خطی حاوی ، اجزائی از آثار شعری و نثری عبیدزاکانی و قصه امیراحمد مورخ به سال ۸۶۸ هجری در اختیار داشت که خود اجمالی در معرفت آن در مجله آینده سال دوم (۱۳۰۶) صفحات ۴۶۳ بعد نوشت اینک آن نسخه نفیس در کتابخانه مجلس سنا محفوظ است. چون نسخه قدیم آثار عبیدزاکانی کم و آنچه ازو در نسخه کهن مرحوم امیرخیزی موجودست برای محققان مغتنم خواهد بود لذا به چاپ آن نسخه مبادرت می ورزد. اگرچه بسیاری موارد غلط در آن موجودست تصرفی در آنها ننشد تا عین متن نسخه در دست باشد .

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هذا الديوان المولى المخدم نظام الدولة والدين

عبيدزاکانی القزوينی عفی الله عنه

ای ز آفتاب صنع تو یک ذره کاینات

فیض تو عقل را مدد و روح را حیات

هر ذره گشته شاهی و هر ... شاهی

لطف تو چون بخاک سیه کرده ...

در کاینات هر چه بدان فخر می کنند

جز بندگی تو همه خشوست ....

بازگر تو که مونس جانست ... دل

فارغ ز کعبه ایم و منزله ز ...

هر چند خاکسارم و عاصی و پر گناه

اومیدوارم از کرمت خلعت ....

خرم کسی که با تو کند آشنایی

وز نور مصطفی رسدش روشنائی

جلد هیجدهم

## فهرست مندرجات

- ۸۵-۱ عبیدزاکانی: منتخب آثار (به کوشش ایرج افشار)
- ۱۱۲-۸۶ کتیرائی ، محمود : فرهنگ لغات عامیانه
- ۱۲۹-۱۲۲ صبا ، علیرضا : اشعاری به لهجه های خراسانی
- ۱۳۷-۱۳۰ تقی زاده، سیدحسن: قسمت اضافی تحفة الملوك
- ۱۴۲-۱۳۸ تقی زاده، سیدحسن: تقویم و پنجه کاشان
- ۱۵۶-۱۴۲ صالح ، علی پاشا : تقویم و پنجه کاشان
- دانش پژوه، محمد تقی: اصفهان و طاووس خانه آن (چندمتن) ۱۵۷-۲۴۳
- لاهیجی، شمس الدین محمد: شرح قصیده مسیحیه خاقانی
- ۳۶۰-۲۴۴ (به کوشش سیدضیاءالدین سجادی)
- ۳۹۸-۳۶۱ کتیرائی ، محمود : کتابشناسی کسروی
- ۴۳۲-۳۹۹ ریکس : دریانوردی در خلیج فارس

تهران - ۱۳۵۱

olan "sâka", "sâki" olarak; "muhayyer", "muhayyer" olarak; "behişt ü havz"; "behişt ü hür" olarak düzeltilmelidir.

♦ Cod. Or. 1286. *Külliyât-ı Zarîfî*. Şairin başta *Râhatî'l-ervâh* ve *Mûhr ü Mâh* adlı eserleri ile *Dvân*'ı. İstanbul Üniversitesi Kütüphanesi T.Y. 673'te bulunmaktadır. Divan 152-215 yaprakları arasındadır. *İstanbul Kütüphaneleri Türkçe Yazma Divanlar Katalogu II* (İstanbul: Maarif Vekâleti, 1959), s. 526-527, kat. no. 199.

♦ Cod. Or. 1301. *Dürr-i meknûn*. Üzerine yapılan çalışma: *Dürr-i Meknun: Saklı İnciler/ Yazıcıoğlu Ahmed Bican*, Çevrimyazı ve Notlar Necdet Sakaoğlu (İstanbul: Tarih Vakfı Yurt Yayınları, 1999).

Katalogun sonunda genel bir indeks bulunmaktadır. Burada doğrudan yazmaya ait olan yazma numarası koyu punto ile yapılmıştır. Her eserin tanımında geçen diğer eser isimlerinin gösterilmesinde koyu punto değil normal punto kullanılmıştır ki doğrusu da budur. Yazar, müstensih ve yazmanın tespit edilen sahip isimleri transkripsiyonla normal, eser isimleri ile meslek isimleri transkripsiyonla italik dizilmiştir.

Sonuç olarak, ilim dünyasına böylesine detaylı ve görsel malzemesi bol olan bir katalog hazırlayan meslektaşım Dr. Jan Schmidt'i tekrar kutlamak istiyorum. Bu beş koleksiyondaki nadir, önemli ve tek nüshaları tanımak bu konunun uzmanları için muhakkak ki çok heyecan vericidir. Katalogun düzeninde konu birliğinin dikkate alınmayıp tarih sırasıyla koleksiyon koleksiyon incelenmesi de koleksiyonları tanımak açısından önemlidir. Ayrıca Türkçe eserlerin dışında Farsça veya Arapça eserlerde de geçen Türkçe şiir, nesir parçalarına da işaret etmek bence artık gerekmektedir. Bugün için kimi kayıp görünen eserlerin varlığı belki de böylece ortaya çıkabilir. Aynı veya değişik koleksiyonlarda bulunan aynı eser, yazar ve terimler indekste zaten gösterilmiştir. Meselâ *Âşaf-nâme*'nin 923/1, 1278/2'de olmak üzere iki nüshası bulunmakta ve bunların ikisi de satın alınma tarihine göre numaralandığından aynı koleksiyonda iki ayrı yerde görünmektedir.

**Haz. Günay Kut, Fatma Büyükkarcı Yılmaz, Şinasi Tekin'in Anısına: Uygurlardan Osmanlıya, İstanbul 2005. İSAM 144220**

## Kedi ile Fare Hikâyesi\*

05 NİSAN 2007

Günay Kut\*\* – Zehra Toska\*\*\*

200018 ← Ubeyd-i Zâkânî

Bu makalede metni verilen *Kedi ile Fare Hikâyesi*, İran şairlerinden ünlü hiciv ustası Ubeyd-i Zâkânî'nin (ö.771 veya 772/1369-70 veya 1370-71) *Mûş u Gurbe* adlı Farsça manzumesine dayanır. Türkçe metni tanıtmadan önce kaynak metin/metinler hakkında genel bir bilgi ve bulguları vermek yerinde olacaktır.

Kaynakların verdiği bilgiye göre Zâkânî'nin bu manzumesi çok meşhurdur ve defalarca basılmıştır. [Ahmed Ateş, *İstanbul Kütüphanelerinde Farsça Manzum Eserler I* (İstanbul: MEB, 1968), s. 273, Tahsin Yazıcı, "Ubeyd-i Zâkânî", *İslâm Ansiklopedisi* 13 (1986): 1-2; Sa'îd Nefîsî, *Târîh-i Nazm u Nesr der-İran ve der-Zebân-ı Fârsî I* (Kitab furûğ-ı Furûğî, 1344 hicri-şemsî [milâdî 1965]), s. 201; Mîrzâ Muhammed Ali Müderrîs, *Reyhânnetü'l-edeb fi terâcim el-ma'rûf in bi'l-künyeti ve'l-lakab*, II (Tebriz: Çaphane-i Şafak, ts): 353.] Şairin kimi külliyatında da bulunan bu kaside tarzında yazılan hikâye için Ateş, Zâkânî'ye aidiyetinin şüpheli olduğunu söylemektedir.

### Zâkânî'ye ait nüshalar

Bu manzumenin ulaşabildiğimiz İstanbul Üniversitesi Merkez Kütüphanesi'nde iki yazma ile bir matbu nüshası bulunmaktadır.<sup>1</sup> Bunlardan bir tanesi Zâkânî'nin külliyâtı içinde olup FY.123 numarada kayıtlıdır. Eserin 85b-87a yaprakları arasında bulunan manzume 43 beyitten ibaret bir kasidedir. Başlığı "Hikâye-i Mûş u Gurbe"dir.

İlk beyit: *Ey hiredmend-i tab'-ı mûzânâ<sup>2</sup>*  
*Kıssa-i mûş u gurbe ber-hând*

Son beyit: *Nezd-i hâkânî-i hücceste-hüner*  
*Nik hâned Ubeyd-i Zâkânâ*

\* Bu hikâyenin Türkçe dilçi çevirisinin özeti kimi örnek beyitlerle ve üç resimle birlikte "Kedi ile Fare Hikâyesi" adı altında bu makalenin yazarları tarafından *Toplumsal Tarih* 123 (Mart 2004): 82-85'te yayınlanmıştır.

\*\* Prof. Dr., Boğaziçi Üniversitesi, Fen-Edebiyat Fakültesi, Türk Dili ve Edebiyatı Bölümü.

\*\*\* Doç. Dr., Boğaziçi Üniversitesi, Fen-Edebiyat Fakültesi, Türk Dili ve Edebiyatı Bölümü.

<sup>1</sup> Matbu nüshayı bize vermek lutfunda bulunan Prof. Dr. Orhan Bilgin'e teşekkür ederiz.

<sup>2</sup> Mûzânâ kelimesine anlam verilememiştir. Mevzûnâ ya da sûzânâ kelimeleri akla geliyor?

Ubeyd-i Zākāni

'Obeyd Zākāni (b 1270 or 1280 Zākān near Qazvin, d 1370/71), important Persian poet. His family was of Arab origin and his father held high office. He studied in Baghdad and then lived in Shiraz. A talented lyric poet, he is sometimes considered as good as Hāfez (qv), his contemporary in Shiraz. His *'Oshshāqnāme* (Book of Lovers, 1350) is a love poem of 700 *bayts* (see *magnavi*) about seeking, loving and parting. His place in the history of literature, however, is ensured by his satires, in which he cleverly criticized the morals of his time. His best known works are the prose social satire, *Akhlāq ol-ashrāf* (Morals of the High-born, 1340), which compares the traditional moral ideal with contemporary behaviour using witty sarcasm; the prose *Sad pand* (100 Counsels, 1349) in which much of the advice is meant satirically. *Dah fasl* (Ten Chapters), also called *Ta'rifāt*, is a satirical encyclopaedia which is a caricature of old Arabic and Persian dictionaries. *Resāleye delkoshā* (Amusing

Treatise) is a prose collection of anecdotes inveighing against the evils of the time. *Rishnāme* (Book of Whiskers) is a mischievous satire in prose and verse, about the whiskers which grow and mar the beauty of young ephebes. Best known of all is probably *Mūsh o gorbe* (The Mouse and the Cat), a *dāstān* (qv) in *qaṣida* (qv) form less than 100 *bayts* in length, exposing the horrors of the never-ending wars between the feudal rulers of the time, and the meanness of religious leaders and 'holy' men.

Trans.: Mas'ūd Farzād, *Rats against Cats* (London 1946). R. Levy, *An Introduction to Persian Literature* (New York, London 1969), 150-5; RHIL 272-3.

JB

Jiri Bečka

DICTIONARY OF ORIENTAL LITERATURES, ed. JIRI BEČKA  
c. III, ( ) LONDON. s. 143-144

02 NISANI 1999